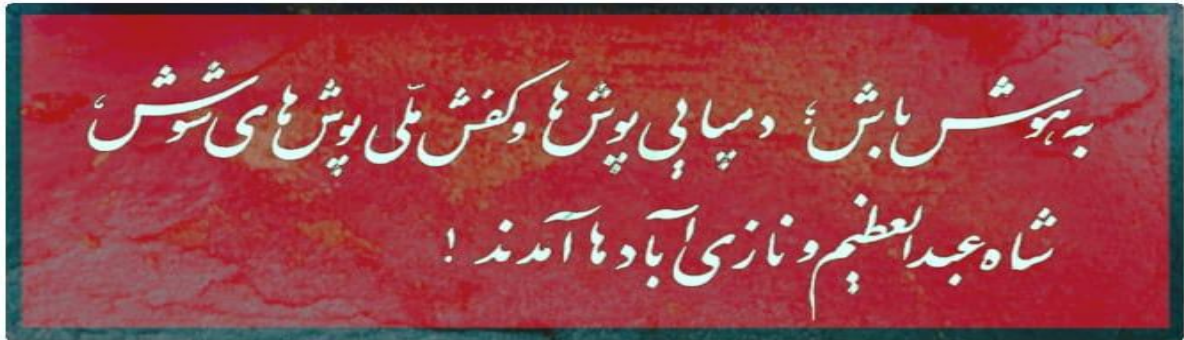


## یادداشت روزانه (نمره ده)



امیرجوهری لنگرودی

[amir\\_772@hotmail.com](mailto:amir_772@hotmail.com)

هرچه بیشتر، جنبش پرشتاب و بالنده سراسر ایران را دنبال می کنی، می بینی که بیشترین مردمان در خیابان ها، یعنی فرزندان رنج و کار، هستی از دست داده، نه چشم به یاری های «بشردوستانه» دولت های اینطرفی ها دارند و نه انتظار بمب افکن های کروزر امریکایی و نه نماد پُر آوازه قیصر و نه رئیس جمهور خودخوانده راطالبند و... نه رسانه های پروپاگاندای روی پا مانده با اعتبار مالی عربستان سعودی و آن دیگران را ... آنچه تا به امروز در سازماندهی گردهم آیی های ایرانیان تبعیدی و مهاجر در سلسله حرکت های اعتراضی شان در جای جای جهان دیدیم، هم نوا شدن با نجوای مردم درون کشور و شعار های آنان را سر دادن و به دفاع از تمامیت مبارزات آن مردم قدم برداشتن بود. آنهایی که خود را خوشه چین روند این مبارزات جا میزنند و به نحوی خویش را نایب برحق خود برگزیده مردم می شناسند و سازمان یافته جیره خواری می کنند و با ده تا بیست نفر به نسبت بزرگ و کوچک بودن شهرها در کشورهای مختلف با بلند کردن پرچم شیروخورشید نشان شاهنشاهی و جا گرفتن پشت شعار «ایران دوستی»، نوعی شوینیسیم فارس محور را در برابر اتحاد داوطلبانه همه ملیت هایی که در این نبرد نابرابر دهها و صد ها تن از میان خود برای بدست آوردن آزادی و رهایی جامعه در دل شعار «زن - زندگی - آزادی» یا «ژن - ژیان - آزادی» از کف داده اند، نوعی نفاق و دشمنی را دامن می زنند. تداوم این جنبش در خیابان بطور یقین سخنگویان واقعی خود را پدید خواهد آورد و با ارائه راهکارهایی واقعی تر، خود را به مردم باز خواهد شناساند. تا به امروز و به دفعات و با ارائه گزارش های گوناگون موج سواری این جماعت و خاصه رسانه هایی که آنانرا ساپورت خبری می کنند، مشخصا تلویزیون "ایران انترناسونال" را از پاریس - فرانکفورت - لندن و استکهلم و گوتنبرگ مورد نقد قرار گرفته داده اند و این درحالیست که گروه های فعال و همسو با روند مبارزه در داخل کشور، در اینجا تلاش میورزند و زمان می گذارند و اجازه تظاهرات و تدارکات تمامی این حرکات را بعهده می گیرند. اما خوشه چینان و فرصت طلبان «سلطنت آبادی» که قدمی و تلاشی برای برگزاری این حرکات انجام نداده اند، ناگهان سربزنگاه از راه میرسند و همانند دار و دسته های رنجیر زن و سینه زن، کف بردهان، با طرح شعار های فطیر و از میدان خارج شده مردمان ایران، خود را صاحب و نماینده اعتراض خیابانی جلوه می دهند! آنچه در خیابان های پاریس با حضور کوتاه "فرح نایب السلطنه" و عروس اش "یاسمین پهلوی" و نوه هایش نیز در کنار "سلطنت آبادی ها" به نمایش درآمد، برای مصادره حرکت بزرگ تدارک یافته از نهاد های مختلف فرهنگی شناخته شده پاریس، به گزارش تلویزیون ویژه خود، به نمایش در آوردند.

همچنانکه در گزارش دیروز یاد آور شدیم: «سمت وجهت گیری حرکت به نقاط جنوبی تهران بزرگ رسیده است. بطوری که از روز دوشنبه ۱۸ مهر، صدای خروشان نازی آبادی ها، به شکلی متراکم و توفنده ... در کنار صدای منطقه سه راه فلاح و مناطق پامنار، منطقه وسیع قلعه حسن خان، که سال ها

زخم رودرویی باحاکمیت را برتن خودداشته، بعلاوه خیلی از مناطق مرکزی مثل: باب همایون، ناصر خسرو، سلسبیل، خیابان هاشمی و (خیابان گلی) یا مالک اشتر و نظام آباد، کوچه برلین و مجیدیه، منیریه و منوچهری، فرهنگ و شرق تهران تمامی نارمک و فلکه های گوناگون آن از هفت حوض تا شمالی ترین نقطه آن، فلکه چهارم تهران پارس را پوشش داده و همه آنان به انبوه این جنبش خیابانی پیوستند. همچنین نقاط جنوبی و محروم شهر تهران: شهرک ولیعصر و قلعه حسنخان، امام زاده حسن و شاه عبدالعظیم و بیشترین محلات جنوب شهر تهران با جنبش همراه شدند.

در هنگامه به پا خاسته هر روزه مردم ایران، دوشنبه هیجدهم مهر ۱۴۰۱ روزی بیاد ماندنی است. در این روز اعتصابات دانشگاهها، مدارس، برخی از مشاغل اینترنتی آسیب دیده از انسداد شبکه هایی نظیر اینستاگرام، کسبه جزء در برخی شهرها و اعتصاب کامیونداران حمل قیر وارد فاز جدیدی شد و کارگران پتروشیمی های بوشهر، دماوند و هنگام در عسلویه در استان بوشهر، پتروپالایش کنگان و فاز دوم پالایشگاه آبادان در استان خوزستان دست به اعتصاب زدند.

آنچه بدیهی بنظر میرسد؛ برای مردم ما در این خیزش، بازپس گیری زندگی از اسارت حاکمیت خون و جنون و جنایت، به خواست همگانی تبدیل شده است. پس به لحاظ ذهنی یک درد مشترک و خواست مشترکی به وجود آمده و گروه ها و اقشار مختلف اجتماعی را در احساس و ابراز آن شریک نموده و آنان را به عمل جمعی رهنمون شده است. با حضور میدانی محروم ترین نیروهای مختلف اجتماعی ( زنان- کارگران- معلمان - بازنشستگان- استادان - دانشجویان - دانش آموزان- پرستاران - بهیاران- پزشکان متعهد - کشاورزان زحمتکش و ... ) به عنوان کنشگران اصلی و صاحب حق که در آن مرزها و تفاوت های طبقاتی، جنسیتی، قومی، مذهبی به طور موقت و به نفع خیز عمومی بزرگتری رنگ می بازند، به نظر می رسد خیزش وارد موخه نوین و بالنده تری شده است. بی اختیار به یاد حرف های چند سال پیش **حاج سعید قاسمی از فرماندهان سابق سپاه**، مدتی پس از اعتراضات دورهای پیش، در تجمع فعال بسیجی ها برای اهل و بیتش گفته بود: « از اون روزی باید بترسیم که دمپایی پوش ها و کفش ملی پوش های شوش و شاه عبدالعظیم، خیابان پیروزی، آن روزاگر قاط زدن و پشت ولایت نبودند، ریختند توی خیابون، اون روز باید فرار کنی و ول کن برو خارج، اون روز باید فرار کنیم، بترسیم. اگر آنها پشت خط را ول کردند، ان روز باید فرار کنیم و می ترسیم، ویلا آروغ زدن آنهایکه از پل پارک وی بیایند پائین و عربده بکشند، ان روز خیالی نیست؛ عزیز من، استقبال می کنیم. » (۱) باری شوش- نازی آباد و شاه عبدالعظیمی ها آمدند، آری زمان فرار شمایان فرا رسیده است. **ول** **معطلید!**

جدال کف خیابانی که نمایش آنرا هر روزه نوجوانان و جوانان در جای جای کشور سنگر می سازند حاصل تجربه ای چهل و سه ساله از گردن نگذاشتن و نافرمانی از خانواده گرفته، مدرسه، خیابان، کارخانه آزموده شده و حاصلش امروز در برخورد با عوامل سرکوب به شیوه های گوناگون خود را می نمایاند و به کار گرفته می شود. این آن دستاوردیست که رژیم عقب مانده و پیشا تاریخی از درک آن عاجز مانده و در حلقه اظهارات آن از هرسو که میروند به دیوار عظیم این تجربه میزنند بی نتیجه می ماند. این درخت تناور و تنومند، به بارنشسته امروزمان را، کهنه تیرهای زنگار بسته حاکمیت جزم اندیش که دورانش به سرآمده، چاره نتوان کرد. بیگمان گورستان تاریخ جایگاه ناگزیر آنان است. این فرایند به مدد فن آوری جدید و فضای مجازی و شریان های ارتباطی، شتاب فزاینده ای یافته است. هیچ جای تعجبی ندارد که این شرایط سرنوشت ساز را رهبر «نخود مغز» کشور، در نیابد و چونان با نام نهادن « اغتشاش های پراکنده»، « طراحی های انفعالی و ناشیانه دشمن» و ... به یابو گوئیهای همیشگی اش برابر این خروش ادامه دهد و همچنان آنرا با دشمنان خیالی و توطئه آنان نسبت دهند. **زهی خیال باطل. روز ما فرداست، فردا روشن است، ایدون باد!** پنجشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۱۳ اکتبر ۲۰۲۲

<http://karegari.com>

(۱) <https://www.aparat.com/v/wAdvU>